

عهد و گفتگو



تفسیر پاراشای هفته
توسط ربای ساکس

"من باور دارم" - تفسیرهای تورات از ربای لرد جاناتان ساکس در سال ۵۷۸۰

پاراشای هفته: کی تاوو ۵۷۸۰

سکوت کن و گوش بده

Rabbi Lord Jonathan Sacks

Ki Tavo 5780

Be Silent and Listen

در جریان اولین دور تعطیلی ناشی از ویروس کرونا بیش از همه یک پرسش برای من مطرح بود: پس نیایش های ما چه می شود؟ درست وقتی بیش از همیشه به نیایش نیاز داشتیم، قادر به شرکت در *tefillah be-tsibbur* یا نیایش دستجمعی نبودیم. مقدس ترین نیایش های ما، *devarim she-bi-kedushah* یا جماعتی هستند و نیاز به گردآمدن ده نفر دارند. بین رامبام [ربی مشه بن مایمون] و ربمان [نحمانید] جدلی بود در این باره که آیا در اصل و اساس، دستور نیایش مستقیم به افراد داده شده یا به جماعت ها در کل. اما هیچ اختلافی میان آنها در زمینه اهمیت و ارزش نیایش برای یک جماعت وجود نداشت. ما یهودیان در درجه اول به صورت "ما" و جماعتی در پیشگاه خدا می ایستیم و نه به صورت "من". از خود می پرسیدم، پس چگونه در این شرایط، در نبود ابعاد جماعتی، قوای روحانی خود را بالا ببریم؟

پاسخ من این بود که این یک محرومیت لازم است. هیچ تردیدی در کاستن از خسارت نباید داشت. چنان که یهودا هلوی در کتاب *خزری* ها می گوید، نیايش فردی مانند محافظت از خود با ساختن یک حصار دور خانه است. نیايش جماعتی مانند پیوستن به دیگران برای حفظ حصار دور یک شهر است. حصار دور شهر همه و نه فقط من را محافظت می کند.¹ افزون بر این، وقتی به تنهایی نیايش می کنم، ممکن است نیايشی خودخواهانه داشته باشم و چیزی را که نفع مستقیم برای من دارد ولی می تواند برای دیگران آسیب رسان باشد درخواست کنم. اگر من بستنی می فروشم دلم می خواهد آفتاب داغ باشد، اما اگر چتر می فروشم دوست دارم باران بیاید. ما با نیايش دستجمعی در جستجوی خیر جمعی هستیم و نه خیر فردی. نیايش دستجمعی فقط یک روش بیانگری جماعتی نیست. بلکه همچنین سازنده *community* یا باهمستان است. هزینه روانی تعطیلی ناشی از ویروس کرونا از اینجا برمی خیزد. ما موجوداتی اجتماعی هستیم و نه تکرو. اکثریت افراد، خواهان بودن در جمع هستند. حتی نوآوری هایی چون زوم، اسکایپ، یوتیوب، فیسبوک، واتس آپ و فیس تایم نمی توانند جبران ارتباط گیری حقیقی یعنی دیدار رو در رو باشند.

اما در نیايش ما در تنهایی یک برد نیز به دست آمد. *Tefillah be-tsibbur* نیاز به حرکت در هماهنگی با سرعت جماعت دارد. در آن حال، دشوار است که حرکت خود را کندتر کنیم و بر روی نیايش ها، معنا، موسیقی، ضرباهنگ و ساختار آنها مدیتیشن انجام دهیم. نیايش اصولاً نقطه ای در حدفاصل سخن گفتن و گوش دادن است. اما نیايش جماعتی اغلب بیشتر با سخن گفتن سر و کار دارد تا با گوش دادن. تعطیلی به خاطر ویروس کرونا موجب شد که بیشتر به شعر و شور نیايش ها توجه کنیم. سرانجام، نیايش نه فقط با سخن گفتن، بلکه با گوش دادن سر و کار دارد.

¹ Kuzari, III: 19.

ربای یا کوو لاینر، پسر ایشیتزر ربه (ربای مردخای لاینر)، تفسیر برجسته ای در مورد یک عبارت پاراشای این هفته دارد: *hasket u-shema Yisrael* به معنای "سکوت کن و گوش بده ای اسرائیل". "اینک شما قوم خداوند خدای خود هستید" (تثنیه ۹: ۲۷). او می گوید از نظر آنچه تبادل می شود، تفاوتی بنیادی میان دیدن و گوش دادن وجود دارد. دیدن درباره ظواهر و امور بیرونی به ما می گوید. گوش دادن به ما درباره امور درونی و عمق مسایل می گوید.²

تفسیر او توسط یکی از پژوهشگران قرن بیستم در زمینه فن آوری های ارتباطی به نام والتر جی اونگ تکرار شد در قالب "رابطه منحصر به فرد صدا با درونی شدن هنگام مقایسه صدا با دیگر محرک های حسی دیگر". او می افزاید: "این رابطه مهم است به دلیل درونی بودن خودآگاهی انسان و ارتباط گیری انسانی".³ به بیان دیگر، از راه صدا و به ویژه سخن گفتن و گوش دادن است که ما با یکدیگر همچون فاعل های اندیشنده رویاروی می شویم و نه همچون فعل پذیرها. ما از راه گوش دادن با عمق واقعیت رویاروی می شویم.

ما هنگام گوش دادن شخصا بسی بیشتر از هنگام تماشا کردن درگیر می شویم. اونگ این امر را یکی از ویژگی های تورات می داند. خدا جهان را با کلمات آفرید. او خود را بر قوم خود از راه کلمات آشکار می سازد. او با کلمات با آنها عهد می بندد. آخرین کتاب تورات و اوج آن، سفر دواریم [تثنیه] است به معنای "کلمات". اونگ یادآور می شود که معادل عبری "کلمه"، *davar* است که همچنین معنای رویداد، اتفاق و چیزی که در تاریخ شتاب ایجاد کند، می باشد. اگر بزرگترین کار خدا با سخن گفتن همراه است، پس بزرگترین کاری که ما بتوانیم انجام دهیم، گوش دادن است.

² *Beit Yaakov*, vol. 4, *Torah u-moadim*, Rosh Chodesh Menachem Av, 131.

³ Walter J Ong, *Orality and Literacy: the technologizing of the word*, Routledge, 1982, 71.

همچنین فرقی هست میان شنیدن و گوش دادن که در ترجمه و تفسیر خود از صیدور به آن پرداخته ام که اغلب به دلیل این که فعل عبری *Shema* هر دو معنا را می دهد، پنهان مانده است. اما این دو با هم خیلی فرق دارند. شنیدن، انفعالی است و گوش دادن فعالانه. شنیدن هیچ تمرکز خاصی نمی خواهد، اما برای گوش دادن به تمرکز، توجه و گشودگی نسبت به فرد مقابل نیاز هست. یکی از بزرگترین هدیه هایی که می توانیم به کسی بدهیم، گوش سپردن به او است. با تاسف، این حالت خیلی کمیاب است. ما اغلب به اندازه ای روی حرفی که می خواهیم بگوییم تمرکز داریم که عمیقا به حرف های فرد مقابل گوش نمی دهیم. نیاش و دعاخواندن نیز همین گونه است. نیاش را گوش سپردن به خدا وقتی خدا به ما گوش می سپرد نامیده اند.

داستان های بسیار عمیقی در مورد گوش سپردن به تورات و تنخ [مجموعه پنج کتاب تورات، کتب انبیاء و کاتبان] وجود دارد. برای نمونه رویداد بدفرجام گرفتن حق برکت عساو توسط یعقوب از پدرش را در نظر بگیرید. داستان، حس بینایی را حذف می کند: اسحق پیر است و نابینا. اما او همچنان شک های جدی دارد که آیا پسرش که در برابر اوست، عساو است. او از حواس مختلف سود می جوید. او غذایی که پسرش آورده بود را می چشد. دست های او را لمس می کند. او چنین نتیجه می گیرد: "صدا صدای یعقوب است، اما دست ها دست های عساو هستند" (پیدایش ۲۷:۲۲). تصور کنید که از چه درد و رنج عظیمی جلوگیری می شد اگر اسحق، شهادت حس شنوایی خود را بر حواس چشایی و بویایی خود برتری می داد.

نام های سه پسر اول یعقوب همه حکایت دارند از فریاد مادرشان لئا برای درخواست توجه. او فرزند او را رثوون نامید و گفت: "زیرا خداوند، بدبختی مرا دیده است. حتما دیگر همسر مرا دوست خواهد داشت." دومی را شیمون نامید و گفت: "زیرا خداوند شنید که من مورد محبت نیستم و این یکی را نیز به من داد." سومی را لوی نامید و گفت: "اینک سرانجام همسرم به من

وابسته خواهد شد، زیرا برای او سه پسر آورده ام." آیا یعقوب فریادهای او را می شنید؟ نمی دانیم. اما معنای خالص متن این است که نمی شنید. و از روی برکت های یعقوب در بستر مرگ می دانیم که رابطه او با این سه پسرش آسیب دیده بود.

سپس می رسیم به مورد انتخاب عجیب موسی به عنوان مردی که برگزیده شد تا کلام خدا را برای همه زمان ها به اسرائیل بدهد. موسی کوشید به خدا یادآور شود که او سخنور نیست و نمی تواند سخن بگوید و "لب های نامختون" دارد. بی تردید، تورات نکات بسیاری به ما می گوید، اما یکی از آنها شاید این است که موسی که برایش سخن گفتن دشوار بود، گوش سپردن را آموخته بود. بی تردید، موسی به کلام خدا بهتر از هر کس دیگری در تاریخ گوش سپرد.

سپس، صحنه کوه حورب را داریم که الیاهوی نبی پس از پیروزی عظیم خود بر انبیاء بعل [بت پرستان] و فرود آوردن آتش بر کوه کرمل به آنجا گریخت. خدا به او بادی نیرومند، زلزله و آتش نشان داد، اما خدا در هیچ یک از آنها نبود. برعکس، خدا در *kol demamah dakah* یا "صدایی کوتاه و خفیف" پدیدار شد که پیشتر شرح داده ام به این معنا است: "صدایی که فقط اگر گوش بسپاری، خواهی شنید".

بیت های بسیار زیبای مزامیر ۱۹ که صبح شبات می خوانیم، به ما می گوید که: "افلاک، عظمت خدا را بیان می کنند؛ آسمان ها شاهد کارهای دست او هستند"، با آنکه "هیچ سخنی نمی گویند و کلامی بیان نمی کنند." دنیای خلقت برای خالق خود سرودی می خواند که اگر به دقت گوش بسپاریم آنرا خواهیم شنید. در دوران بیماری همه گیر به یاد این مفهوم افتادم، یعنی زمانی که صدای ترافیک خفیف بود و از غرش هواپیماهای بالای سر خبری نبود و می توانستیم نجوای پرندگان و دیگر صداهای طبیعت را با وضوحی بیشتر از هر زمان دیگری که به یاد دارم، بشنویم.

گوش سپردن، جانمایه اول سخن موسی در سفر دواریم [تثنیه] است. ریشه *sh-m-a* دستکم ۹۲ بار در این کتاب تکرار می شود که رقم قابل توجهی است. این یک توانایی است که امیدوارم از دوران دشوار قرنطینه به دست آورده باشیم: توانایی خواندن نیایش های خود به آرامی و گوش سپردن به آنها و جذب عمیقتر اشعار نیایش ها به نسبت دیگر زمان ها.

ربای یا کوو لاینر که این نوشته را با تفکرهایش در مورد گوش سپردن آغاز کردیم، در مورد ماه مصیبت بار آو گفته است که این زمانی است که دیدن حضور خدا آسان نیست. در این ماه دو معبد را از دست دادیم. به نظر ملت های دنیا آمد که خدا ملت خود را تنها وانهاده است. اما دقیقا زمانی که دیدن حضور خدا ممکن نیست، می توانیم بر گوش دادن تمرکز کنیم.⁴

من باور دارم که گوش سپردن یکی از بزرگترین هنرها است که برای ما درها را به سوی خدا، هموعان ما و زیبایی های طبیعت می گشاید. از دید من یکی از موهبت های این دوران عجیب و دشوار، توانایی دعا به آرامی و گوش سپردن به نیایش هایی بود که با من سخن می گفتند. و ایمان، خود، یعنی توانایی گوش سپردن به موسیقی نهفته پشت سروصداها.

شبات شالوم

Jonathan Sacks

The Office of Rabbi Sacks

برای دیگر آثار رای ساکس لطفاً از این تارنما بازدید فرمایید - www.rabbisacks.org
کلیه حقوق محفوظ است • دفتر رای ساکس توسط بنیاد عهد و گفتگو حمایت می شود

⁴ The same idea can be found much earlier in the *Sefer Yetzira*. See *Bnei Yissaschar, Ma'amarei Hodshei Tammuz ve-Av, ma'amar 1,3*. I am grateful to Mr David Frei, Registrar of the London Beit Din, for bringing this to my attention.

*ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامبام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی توسط

شیریندخت دقیقیان Persian Translation by Shirin D. Daghighian